

بن بست غرب گرایی: سوم

در سال‌های اخیر، با این تصور که می‌توان با آمریکا نشست و به نتیجه‌ی مطلوب رسید و مشکل کشور یعنی تحریم‌ها را حل کرد، بر سر میز مذاکرات حاضر شدیم. مذاکرات گرچه با نگارش متنی موسوم به "برجام" به انتها رسید، اما نه تنها مشکل تحریم‌ها حل نشد، بلکه تحریم‌های جدیدی هم مشمول ایران شد. تجربه‌ی برجام بار دیگر نشان داد که با نسخه‌های وارداتی، نمی‌توان مشکل کشور را حل کرد و بنابراین «گره زدن حل مسائل کشور به برجام و امثال برجام یا به مسائل خارجی، یک خطای بزرگی است. ما نایستی مسائل کشور را، مسائل اقتصادی کشور و مسائل گوناگون کشور را گره بزیم به امری که از اختیار ما خارج است، در بیرون کشور تدبیر می‌شود و تصمیم‌گیری می‌شود... نمی‌توانیم ظرفیت کشور را معطل توافق برجام بگذاریم؛ مدتی معطل اجرای برجام، مدتی معطل خروج و عدم خروج از برجام؛ آن هم در مقابل دشمنی مثل آمریکا.» (۲/۰۳/۱۳۹۷) امروز بیش از هر زمان دیگری، می‌توان "بن بست تفکر غربگرایی" و نسخه‌هایی که به تبع آن برای کشور پیچیده شده است را ملاحظه کرد. این وضع باید تغییر کند، با رجوع به ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی.

حمایت از کالای ایرانی
تابلوساسی
انعکاس آخرین تحلیلهای و مواضع رسانه‌ها و جریانها
BASIRAT.IR

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۶۵۳ / شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۷

راهبرد کدام است؟

وطن امروز: بر همگان روشن است که امروز کشور در یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است. بیانات مکرر رهبر معظم انقلاب از جمله در دیدار کارگران و کارآفرینان که تصریح کردند: «امروز اتاق جنگ علیه ما، وزارت خزانهداری آمریکا است» و همچنین گزاره‌های مستند و متقن از طرح‌های راهبردی ایالات متحده، بر این ادعا صحنه می‌گذارد. به وضوح مشخص است این شرایط نابسامان فعلی اقتصاد، نتیجه تشتت آرای افرادی با گرایش‌های اقتصادی مختلف و متمایل به مکاتب اقتصادی متنوع در مراکز تصمیم‌گیری متعدد است. اقتصاد دولتی یا بازار؟ ارز تک‌نرخ یا دونرخ؟ نرخ بهره بالا یا پایین؟ سیاست‌های انبساطی یا انقباضی؟ افزایش هزینه‌های دولت برای تحریک تقاضای کل یا کاهش هزینه‌ها؟ رونق و تورم یا مالیات و رکود؟ برای هیچ‌یک از پرسش‌های فوق در طول ۵ سال گذشته پاسخ واحدی از تیم اقتصادی مخبره نشده است. تیم اقتصادی دولت و این شرایط نابسامان اقتصادی بخوبی یادآور همان گفتمان توسعه دهه ۷۰ و تجربه‌های تلخ سیاست‌های نئولیبرال تعدیل ساختاری و اقتصاد بازار دولت‌های پنجم و ششم مرحوم هاشمی است. سیاست‌هایی که گزاره‌های کلیدی و راهبردی و پیشران آن به وضوح بر خلاف گزاره‌های دینی است و بر محوریت طمع، فردگرایی منفعت‌طلب، عقلانیت سودمحور، مصرف‌گرایی و لذت‌جویی غریزه‌گرای مادی استوار است و امروز عواقب آن نه صرفاً در عرصه اقتصادی و بازار ارز و سکه، بلکه در حوزه فرهنگی و اجتماعی نیز کاملاً مشهود و غیرقابل کتمان است. راه‌حل اساسی تغییر پارادایم ذهنی سیاست‌گذاران اقتصادی است. اگر نقشه راه عوض نشود، تغییر مهره‌ها راه به جایی نخواهد برد، باید دولت و همه اجزا و ساختارها و سیاست‌هایش گردشی به سمت الگوی داخلی داشته باشند.

گشایش در این تنگه است!

کیهان: بستن تنگه هرگز حق قانونی جمهوری اسلامی ایران است که در حقوق بین‌الملل به آن تصریح شده است. با توجه به مواد دو کنوانسیون ژنو و جامائیکا، عبور کشتی‌هایی از تنگه هرگز مجاز خواهد بود که برای «امنیت، نظم، آسایش و حقوق ملی» ایران «بی ضرر» تشخیص داده شود... اکنون باید گفت؛ در صورتی که صدور نفت ایران از سوی آمریکا و

کشورهای اروپایی تحریم شود، آیا عبور کشتی‌های حامل نفت برای کشورهای یاد شده که در حالت مورد اشاره، دشمن تلقی می‌شوند «عبور بی‌ضرر»! خواهد بود؟ بدیهی است که پاسخ این سؤال منفی است و ایران اسلامی حق دارد و می‌تواند با جلوگیری از عبور این کشتی‌ها مانع توانمندی دشمن در تهدید امنیت ملی خود شود. عبور کشتی‌هایی که از مبدأ کشورهای تحریم کننده به مقصد سایر کشورهای خلیج فارس، تسلیحات نظامی حمل می‌کنند نیز به طریق اولی و مطابق همان مواد از کنوانسیون‌های ژنو و جامائیکا، منحل و در تعارض با امنیت ملی کشورمان تلقی شده و بستن تنگه هرمز به روی این کشتی‌ها حق مسلم و قانونی ایران اسلامی است. در صورت بستن تنگه هرمز، آمریکا و اروپا برخلاف آنچه ادعا می‌کنند توان مقابله با این اقدام قانونی و حرکت انقلابی ما را ندارند. آنها در اتاق شیشه‌ای نشسته‌اند و در منطقه گروگان ما هستند. یکی از رسانه‌ها نوشته بود در صورت بسته شدن تنگه هرمز، آمریکا می‌تواند بدون حضور در خلیج فارس و از اقیانوس هند با بهره‌گیری از موشک‌های دوربرد به ایران حمله کند که باید گفت حتی اروپا هم در تیررس موشک‌های دوربرد ما قرار دارد چه رسد به عربستان و بحرین و تل‌آویو و حیفا و...!

این آمریکای دیگری است

شرق: اینک بعد از سال‌ها، با روی کار آمدن دونالد ترامپ عیان شده آمریکا در پی تغییر مناسبات استراتژیک با جهان است. ترامپ در تلاش می‌کند استراتژی نویی را تعریف کند. به گفته مارک پمپئو: «رئیس‌جمهور سعی می‌کند نظم جهان لیبرال را از نو تنظیم کند، نه اینکه آن را برهم بزند. ترامپ می‌خواهد متحدان را وادار به اصلاحاتی کند که در بردارنده منافع آمریکاست». ترامپ به خوبی می‌داند زمان برداشت از اتوریته آمریکا فرار رسیده است. اگر از اتوریته‌ای نتوان برداشت کرد که دیگر اتوریته نیست؛ سگ پوشالی است. او می‌خواهد کاشت و داشت رؤسای جمهوری سابق را برداشت کند. ترامپ با این استراتژی نو، پوشالی بودن آمریکا را برملا خواهد کرد. شواهد نشان می‌دهد او بر این اتوریته باور دارد، از این رو رویکردش به دنیا فئودالی است و طبیعی است در این نوع نگاه، منافع حداکثری آمریکا را دنبال کند. همین نگاه است که دنیا را تنش آلود کرده و وضعیت ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. از این منظر، وضعیت امور در ایران بحرانی نیست، وضعیت ایران مانند دیگر متحدان و دشمنان آمریکا تنش آلود است. دو ویژگی بارز بحران که درهم تنیده شده، لاینحل و غیرمنتظره بودن است. مشکلات دولت روحانی نه لاینحل و نه غیرمنتظره است. در ایران اغلب مناسبات دولت و ملت دچار تنش شده است. تنش نشانگر تضاد در منافع مشترک است. «استراتژی نو» ترامپ این تنش‌ها را افزایش داده است. رئیس‌جمهور آمریکا علنی به کشورهایی که مناسباتی نزدیک، دوستانه و خصمانه با او دارند، اعلام جنگ تجاری داده است. جنگ تجاری با رویکردی فئودالی با تکیه بر اتوریته‌ای که اگر وجود دارد همین حالا باید به کار بیاید. این اتوریته برخی کشورهای ضعیف را به تمکین واداشته و کشورهای قوی مانند چین را به مقابله به مثل برانگیخته است. دولت روحانی به سرعت باید جایگاه خود را در جهان نه با استعاره‌های قبلی که با ایده‌های تازه تبیین کند. از این منظر، نزدیکی سیاسی و نه اقتصادی ایران به اروپا قابل فهم است. معلوم نیست در این رویکرد فئودالی، اروپا تا چه میزان به حیثیت

سیاسی خود پایبند و وفادار خواهد ماند. تجلی کنونی حفظ این حیثیت، حمایت از برجام است؛ اما وضعیت کنونی جهان چندان هم به ضرر ایران نیست. این اعلام جنگ تجاری با دنیا خاصه اروپا این فرصت را به کشورها می دهد که دنبال متحدان تازه بگردند. تصویرهای واقعی از وضعیت امور، ما را به استراتژی های قابل قبول هدایت خواهد کرد. بزرگ ترین خطر در تصمیم گیری این دوران، تغییر وضعیت های استراتژیک به ایدئولوژیک است.

بازار نفت اوپک از سکه می افتد؟

اعتماد: اوپک در گزارش ماهانه خود نخستین پیش بینی سال ۲۰۱۹ را ارایه و اعلام کرد که جهان در سال آینده متقاضی ۳۲،۱۷ میلیون بشکه در روز نفت اوپک خواهد شد که ۷۶۰ هزار بشکه در روز کمتر از سال میلادی جاری است. کاهش تقاضا برای نفت اوپک به معنای آن است که فشار کمتری روی تولیدکنندگانی مانند عربستان سعودی برای جبران کاهش تولید کشورهایی مانند ونزوئلا و لیبی و کاهش احتمالی صادرات ایران به دلیل تحریم های امریکا وجود خواهد داشت. اوپک در این گزارش اعلام کرد انتظار می رود توسعه بازار نفت در سال ۲۰۱۹ اندکی ملایم تر شود و اقتصاد جهان و تقاضای جهانی برای نفت کمتر از آنچه پیش بینی شده بود رشد خواهد کرد. طبق آمار منابع ثانویه، تولید نفت اوپک در ژوئن ۱۷۳ هزار بشکه در روز نسبت به ماه پیش از آن افزایش یافت و به ۳۲،۳۳ میلیون بشکه در روز رسید که به دلیل تولید بالاتر عربستان سعودی بود. بر مبنای محاسبات رویترز، این آمار به معنای آن است که سطح پایبندی اوپک به توافق کاهش تولید به ۱۳۰ درصد کاهش یافته است. بالا رفتن قیمت های نفت که به دنبال اجرای توافق کاهش تولید اوپک روی داد، باعث رشد عرضه رقیب و جهش تولید نفت شیل امریکا شد. اوپک انتظار دارد عرضه غیر اوپک در سال میلادی آینده ۲،۱ میلیون بشکه در روز رشد کند که بالاتر از رشد پیش بینی شده برای تقاضای جهانی خواهد بود. رشد عرضه در سال آینده عمدتاً توسط امریکا، برزیل و کانادا هدایت می شود اما اوپک بر این باور است که رشد عرضه شیل امریکا در نیمه دوم سال ۲۰۱۸ و در سال ۲۰۱۹ به دلیل محدودیت های زیرساختی، آهسته خواهد شد.

ترس سنا از بی ترمزی تعرفه ای ترامپ

خراسان: با شعله ور تر شدن آتش بزرگ ترین جنگ تجاری تاریخ، سنای امریکا در تلاش است قدرت رئیس جمهوری این کشور را برای افزایش تعرفه های تجاری علیه شرکای امریکا محدود سازد. در مصوبه دو حزبی سنا که با ۸۸ رای از مجموع ۱۰۰ رای حاصل شد، افزایش هرگونه تعرفه تجاری بر واردات کالا و خدمات به کسب تاییدیه کنگره مشروط می شود. با این حال سناتورها امیدوار هستند این مصوبه گام نخست را برای مهار قدرت رئیس جمهوری امریکا در راه انداختن جنگ های پرهزینه و ویرانگر تجاری بردارد. در ماه های اخیر که دولت «دونالد ترامپ» بر برخی از کالاهای وارداتی تعرفه های سنگین وضع کرده است، فعالان سیاسی - اقتصادی و نهادهای تجاری در داخل و خارج از امریکا درباره پیامدهای این تصمیمات بارها هشدار داده اند. برآوردها حکایت از آن دارد که در جنگ تجاری کنونی فرصت های شغلی حداقل شش میلیون کارگر آمریکایی که مشاغل شان به ادامه واردات ارزان قیمت وابسته است، به خطر خواهد

افتاد. این درحالی است که با افزایش تعرفه‌ها، قیمت کالاهای وارداتی و ساخته شده در داخل آمریکا افزایش می‌یابد و طبقه متوسط و آسیب‌پذیر جامعه بیش از پیش تحت فشار قرار می‌گیرند. علاوه بر آن، تهدید شرکای تجاری آمریکا به اقدامات تلافی‌جویانه، بازارهای وسیع صادراتی آمریکا را تحت تاثیر قرار می‌دهد و به کارگران فعال در بخش‌های صادراتی لطمه وارد می‌کند. «بی‌تفاوتی ملی گرایان اقتصادی به نمایندگی «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری آمریکا به چنین هشدارهایی سرانجام موجب شد تا کنگره تحت کنترل جمهوری خواهان با کمک دموکرات‌ها دست به کار شوند تا جلوی شعله‌ورتر شدن بزرگ‌ترین جنگ تجاری جهان را بگیرند.»

نگاه به شرق بر مبنای تهدید و منافع مشترک

جوان: خروج آمریکا از برجام، منطقی و وجاهت‌گفت‌وگو برای حل مشکلات جهانی و منطقه‌ای را زیر سؤال برده و رویکرد مجبورسازی از طریق اهرم‌های گوناگون در قبال دیگر بازیگران سیاسی، فصل مشترک یک احساس و ارزیابی از آمریکا در بین بسیاری از کشورهاست. سفر دکتر ولایتی به مسکو که پیام راهبردی مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور ایران را در دست داشت، به دلیل پایه‌های محکم یک همگرایی و همکاری که زمینه‌های عملی خود را در سوریه، عراق و عرصه‌های جهانی و بحث هسته‌ای ثبت کرده، قادر است پایه‌گذار مرحله‌ای جدید از همگرایی‌های موازنه‌ساز و کارآمد باشد و با استقبال مقامات کرملین روبه‌رو شده است. این عرصه‌های همکاری از سال‌ها قبل نیز در دیدار پوتین و رهبری معظم انقلاب مرور شده و دستور کارهایی نیز داشته، ولی غریبه‌های تابلودار به جای منافع ملی، از اتوپیای غربی دفاع کرده و در مسیر اجرای همگرایی مؤثر در نگاه به شرق کارشکنی کرده‌اند. جالب این است که همین جماعت در ۳۵ سال قبل با اندیشه‌های رسوب شده اتحاد جماهیر شوروی عمل می‌کردند و امروز نگاه به شرق را تحمل نکرده، ولی تسلیم در قبال غرب را توجیه می‌کنند. حاصل سفر راهبردی دکتر ولایتی و توافقات دوجانبه اقتصادی، انرژی، تکنولوژیک، هسته‌ای، نظامی و منطقه‌ای و بین‌المللی که باید با یک دیپلماسی فعال و هدفمند به نتیجه اجرایی مبدل شود، در گام تکمیلی با چین و قطب‌های اقتصادی و سیاسی در جهان می‌تواند ضمن تأمین منافع مشترک و بازدارندگی در قبال تهدیدات، برنامه ترامپ را با شکست قطعی روبه‌رو کرده، در نظم جدید منطقه‌ای و جهانی نیز نقش‌آفرینی کند.

